

ارزش زن

Woman's Worth

نوشته‌ی: ماریان ویلیامسون

Marian Williamson

ترجمه‌ی: نوشین ریشهری

Noushin Reyshahri

سرشناسنامه: ویلیامسن، ماریان، ۱۹۵۲م.
عنوان و پدیدآور: ارزش زن/ نوشته‌ی ماریان ویلیامسون؛ ترجمه‌ی نوشین ریشه‌ری
مشخصات نشر: تهران: ویستار، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ص ۱۶۰

شابک: 964-55-7-69-3

یادداشت کلی: این کتاب در سال ۱۳۷۷ با ترجمه‌ی مینو احمد سرنیپ تحت عنوان «زن یک
ارزش (کتابی برای تمامی زنان و مردان)» توسط نشر سمر منتشر شده است.
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

یادداشت: عنوان اصلی: A Woman,s Worth, c 1993

عنوان دیگر: زن یک ارزش (کتابی برای تمامی زنان و مردان)

موضوع: زنان - روانشناسی

موضوع: زنان -- زندگی مذهبی

شناسه افزوده: ریشه‌ری، نوشین، ۱۳۲۴ - مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۵ ۹۷۹/۱۲۰۶ HQ

رده‌بندی دیویی: ۱۵۵/۳۳۳

شماره کتابخانه ملی: ۸۵۳۲۸م

نشر ویستار

تهران، خیابان کریم خان بین قائم مقام و خردمند شمالی شماره ۵۵

تلفن: ۸۸۸۲۱۲۷۶

Email/vistar_pub@hotmail.com

ارزش زن ماریان و پلیماسون

نوشته ریشهری

چاپ اول ۱۳۸۶

حروفچینی ویستار

طرح جلد پیمان سلطانی

لینوگرافی نگارگران

چاپ متن پیام

چاپ جلد دیگر

مصحافی شکیب

نسخه ۲۲۰۰

ISBN: 964-5507-69-3

شابک: ۹۶۴-۵۵۰۷-۶۹-۳

VISTAR PUBLISHING, Inc.

کلیه حقوق طبق قرارداد محفوظ است.

مقدمه:

وقتی به دوستانم گفتم که کتابی در مورد زنان نوشته‌ام، اغلب آن‌ها چیزهایی شبیه این گفتند: «برای ما، برای زنان که در جهنم بوده و بازگشته‌اند؟»

چقدر باید بیگانه باشد، انجمنی که ما به آن تعلق داریم: زنانی که تا جهنم رفتند و بازگشتند. البته همه می‌فهمیم یعنی چه! آن نشان عضویتی که با خود حمل می‌کنیم، کاملاً قابل شناسایی است، چون روی پیشانی‌مان قرار دارد. اغلب ما، حداقل یک طلاق یا شکستی ویرانگر را تجربه کرده‌ایم. چه ازدواج کرده یا نکرده باشیم. سایر موارد هم ما را به این انجمن راهبر می‌شوند: کورتاژ، مریضی، انواع مختلف تحقیر خصوصی یا عمومی، اعتیاد، مرگ یک عزیز، والدین بی‌کفایت و بچه‌های مریض! همه چیزهایی که هرگز فکر نمی‌کردیم زندگی شبیه این باشد. ما بیش از آنچه که برای خودمان دلسوزی کنیم،

وحشت زده و اندوهگینیم.

کنکاش زنانه مان چنین بوده، هشیارانه و تابع مقررات، یا ناآگاه و لجام گسیخته. ما چه چیزی آموخته، یا نیاموخته باشیم، رنج مان به صورت آن کسی که هستیم شکل گرفته، و برای بهتر بودن یا بهتر شدن، در چند سال اخیر عوض شده ایم. ما آن کسی نیستیم که بودیم و تنزل هم نکردیم. ما داستان های زیادی داریم و همین طور، ویراستاری های فراوان.

در نوشتن این کتاب، هدفی جز بازگویی شجاعانه ی حقایق زندگی خصوصی و اسرار شخصی ام نداشتم. اما این خود هدفی احساساتی است، و من دیدم که چگونه در مورد دیگر زنان صدق می کند؛ روابط، حرفه، بچه، رؤیا، خیانت، امید، برنده شدن و باختن، همه در چشم انداز من شکل می گیرند. احساسات ما به هم آمیخته اند و داستان هایمان همگرایند.

هر نویسنده ای امیدوار است که کلماتش دری بگشاید، راهی نورانی ارائه دهد که خواننده به عمق درونش هدایت شود. من جرأت می کنم تا امید آن رؤیا را برای این کتاب داشته باشم.